

ژئوپلیتیک تاریخی قهستان در دوران اسلامی

دکتر سید رسول موسوی حاجی، دکتر فرهنگ خادمی ندوشن، حسن هاشمی زرج آباد
استادیار گروه باستان شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشیار گروه باستان شناسی
دانشگاه تربیت مدرس، دانشجوی دکتری باستان شناسی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

بی هیچ تردید، درک روند و شیوه‌های شکل‌گیری فضاهای جغرافیایی بدون بررسی عوامل مؤثر در این فرآیندها امکان‌پذیر نیست. تأثیر موقعیت‌های جغرافیایی و همچنین تصمیم‌گیری‌های سیاسی در پیدایش و تکوین فضاهای جغرافیایی از جمله مقوله‌های اساسی دانش ژئوپولیتیک تاریخی هستند. این مقاله تلاشی است جهت آگاهی از سیر تحولات جغرافیای تاریخی و ژئوپولیتیک تاریخی منطقه قهستان در شرق ایران که نگارندگان با بهره‌گیری از متون تاریخی و منابع جغرافیایی سده‌های نخستین و میانه اسلامی، سفرنامه‌ها و منابع تاریخی سده‌های معاصر به عنوان مهم‌ترین ابزارهای تحقیق، سعی در تبیین زوایای مختلف آن با روش تحلیل تاریخی دارند.

واژگان کلیدی: قهستان، جغرافیا، تاریخ، ژئوپولیتیک تاریخی، دوران اسلامی.

مقدمه

ژئوپولیتیک که از دو واژه ژئو به معنای زمین و پولتیک به معنای سیاست تشکیل شده است (عزتی، ۱۳۷۱: ۴۹) علمی است که به مطالعه‌ی تأثیر عوامل جغرافیایی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی صاحبان قدرت می‌پردازد (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۲۳). از دیدگاه تاریخی، تردیدی نیست که گرایش‌های ژئوپولیتیک از هنگامی آغاز گردید که قدرت‌های بزرگ با گرایش‌های جهانی پدیدار آمد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۳۲). سرزمین ایران به جهت برخورداری از موقعیت ژئوپولیتیکی و همچنین با سابقه تمدنی و فرهنگی چند هزار ساله، همواره در مسیر تاریخ بوده است چرا که اساساً ژئوپولیتیک و شیوه‌های استراتژیک از عوامل تحولات تاریخی هستند (بای، ۱۳۸۸: ۷). ژئوپولیتیک در مفهوم تاریخی و سنتی آن به معنای تقابل تاریخی قدرت‌ها در کنترل و مالکیت سرزمین‌هاست که در آن نیروهای سیاسی هر طرف در منازعه برای رسیدن به اهداف خود از بازنمایی‌های گوناگون استفاده می‌کنند. بنابراین موضوع ژئوپولیتیک تاریخی، مطالعه تأثیر مکان بر سرنوشت تاریخ و تمدن است که گفتمان آن براساس روش‌های نوین پژوهشی همان رویکرد ژئوهیستوریک (جغرافیای تاریخی) بر نظام‌های سیاسی تاریخی است (همان: ۱۱). جغرافیای تاریخی که از آن تعبیر به جغرافیای انسانی در گذشته می‌گردد، به مطالعه‌ی تأثیرات محیط‌های جغرافیایی در پدیده‌های تاریخی، شهرهای باستانی، راه‌های ارتباطی، اوضاع اقتصادی، صنعت، بازرگانی، تشکیلات و سازمان اداری، اجتماعی و علل ایجاد یا از میان رفتن شهرهای باستانی می‌پردازد (بیک محمدی، ۱۳۸۶: ۱۲). بنابراین هر دو رشته علمی به تجزیه و تحلیل‌های بسیار دقیق و پیچیده گذشته منطبق بر دور نماهای بلند مدت و کهن استوار بودند. وجوه مشترک این علوم با آن دسته از مفاهیم انطباق دارد که بخصوص برخاسته از زمان‌های بسیار طولانی پدیده‌ها و کشمکش‌های سرزمینی و توسعه طلبی‌ها بوده‌اند (بای، ۱۳۸۸: ۱۲). در این راستا مقاله حاضر ضمن تبیین زوایای مختلف جغرافیای تاریخی قهستان، سعی دارد تا به این سؤال اصلی پاسخ گوید که مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در ژئوپولیتیک تاریخی قهستان کدام است؟

۱- واژه‌شناسی قهستان

این واژه که به ضم اول و کسر ثالث تلفظ می‌گردد، در متون تاریخی و جغرافیایی به صورت مختلف چون قهستان، قوهستان و قوهیستان و در دو معنی متفاوت ذکر گردیده است. قدیمی‌ترین سندی که نام قهستان در آن دیده می‌شود، کتاب اعلاق‌النفسه ابن رسته است که در قرن سوم هجری تالیف گردیده است. ابن رسته در این اثر، قهستان را به همین صورت (قهستان) ضبط نموده است (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۱۲۱). ابوالفداء در کتاب تقویم‌البلدان می‌نویسد: «قهستان معرب کوهستان است...» (ابولفداء، ۱۳۴۹: ۵۱۲). یاقوت حموی در دو اثر ارزشمند خود معجم‌البلدان و برگزیده‌ی مشترک به نام قهستان این گونه اشاره نموده است: «قهستان معرب کوهستان است که بین کوه‌های هرات و نیشابور است» (حموی، ۱۳۹۹: ۲۴۰). وی همچنین می‌نویسد، در کتب قدیمی سه قهستان ذکر کرده‌اند: قهستان قم، قهستان کرمان و قهستان خراسان» (حموی، ۱۳۶۲: ۱۰۴). صاحب کتاب نخبه‌الدهر در خصوص معنای قهستان چنین بیان داشته است: «سرزمین قهستان به معنی شهرهای کوهستانی است که بر کناره بیابان مابین نیشابور و هرات واقع است و در آن شهرهایی چون قاین قرار دارد که بزرگترین شهر آن است» (دمشقی: ۳۸۰). لسترنج نیز قهستان را به معنی کوهستان دانسته است و می‌نویسد: «قهستان به معنی کوهستان است که به سبب وضع طبیعی خاص آن به این نام مرسوم گردیده است زیرا برعکس سیستان که در خاور قهستان کنار دلتای هیرمند در یک سرزمین پست قرار دارد، سرزمین قهستان مرتفع و کوهستانی است» (لسترنج، ۱۳۷۳: ۳۳۷). یوزف مارکوات در کتاب ایران‌شهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، قهستان را به صورت قوهستان ذکر کرده و می‌نویسد: «نیشابور ولایتی است وسیع با نواحی بسیار که از آن جمله است: طبسین و قوهستان (قهستان).....» (مارکوات، ۱۳۷۳: ۵). ریچارد فرای معتقد است که واژه قهستان در زبان فارسی و پهلوی کوهستان و نام ناحیه‌ای در شرق ایران است که تازیان پس از حمله به ایران آن را قوهستان و سپس قهستان تلفظ نموده‌اند (فرای، ۱۳۵۸: ۳۳۷). جیهانی واژه قهستان را به همین صورت فارسی دانسته و عقیده دارد که قه به صورت قو، کی. کهن به کار رفته و در مناطق خشک و

کویری به معنی آبی است که از قنات به دست می‌آید (جیهانی، ۱۳۶۸: ۲۲۶). در یک جمع‌بندی از نظرات ارائه شده توسط جغرافیدانان مسلمان در خصوص واژه و وجه تسمیه قهستان می‌توان این گونه اذعان نمود که واژه‌ی قهستان و دیگر صورت آن چون قوهستان و قوهیستان همگی از یک خانواده و به یک مفهوم جغرافیایی خاص اشاره دارند که آن کوهستان است (شاطری، ۱۳۸۵: ۵۱).

۲- نگاهی به پیشینه و سیر تحولات ژئوپولیتیک تاریخی قهستان

در بررسی پیشینه و سیر تحولات ژئوپولیتیک تاریخی قهستان می‌توان آن را در دو دوره‌ی زمانی: باستانی و اسلامی مورد مطالعه قرار داد.

الف: دوره تاریخی و تحولات ژئوپولیتیک آن

مهم‌ترین تحول ژئوپولیتیک تاریخی قهستان در دوره هخامنشیان، استقرار اقوام ساگارتی در این منطقه است. بر اساس کتیبه‌های هخامنشی و نوشته هردوت در قرن پنجم قبل از میلاد، «قهستان» خاستگاه و زیستگاه یکی از اقوام ایرانی به نام «ساگارت» و بخشی از چهاردهمین ساتراپ هخامنشی به شمار می‌رفته است (لباف، ۱۳۷۳: ۷۸). که در سنگ‌نبشته‌های داریوش اول از آن تحت عنوان استان هریوه یاد شده است (گابریل، ۱۳۸۱: ۳۸۱-۳۷۴). در دوران اشکانیان قهستان از نظر ژئوپولیتیکی مورد توجه قرار گرفت. زیرا در این دوره مناطق شرقی و شمال‌شرق ایران که در دوران هخامنشی و سلوکی کانون‌های حاشیه‌ای قدرت بودند، به پیکره‌ی اصلی فرهنگ و تمدن ایرانی پیوستند و در واقع مناطق باختری و خاوری ایران با هم در ارتباط ارگانیک قرار گرفتند (بای، ۱۳۸۸: ۲۰). در این دوره قهستان از ایالات مهم شاهنشاهی اشکانی و «خوسف» ساتراپ نشین آن بوده است. کشف سنگ‌نگاره‌ی کال جنگال از دوره اشکانی در بیرجند ثابت می‌کند که گذرگاه اصلی خراسان و قهستان به سوی کرمان و جنوب ایران از این منطقه عبور می‌کرده است (بهنیا، ۱۳۸۱: ۱۳۵). در دوره‌ی ساسانیان نیز قهستان از ایالات آباد و

معتبر بوده و مهم ترین تحولات ژئوپولیتیکی آن را می‌توان ظهور هپتالیان در قهستان دانست. کتیبه و سنگ نگاره‌های «لاخ مزار» روستای «کوچ» بیرجند حاوی نوشته‌هایی به خط پهلوی ساسانی است که در آن نام آخشوار پادشاه هپتالی و قباد پادشاه ساسانی به چشم می‌خورد. همچنین صحنه‌ی بزم و عروسی قباد با دختر آخشوار و صورت چند شخصیت هپتالی جملگی بر حضور موثر هپتالیان در جنوب خراسان تأکید دارند (زعفرانلو، ۱۳۸۰: ۲۱). توصیفی که مؤلف کتاب بهارستان از وضعیت قهستان در دوره ساسانیان دارد به خوبی موقعیت ژئوپولیتیک تاریخی این منطقه را مشخص می‌نماید. وی می‌نویسد: «در عهد ملوک ساسانی این ولایت، ولایتی آباد و دارای قریه معمور و سرزمینی لشگر خیز و مردمانی با استعداد و رزمجو و سلحشور داشته و از خود امرا و فرماندهانی بزرگ داشته که همواره ملوک ساسانی به شهامت آنها مستحضر بوده‌اند و به پشتیبانی آنها فتوحات ایشان صورت می‌گرفته است» (آیتی، ۱۳۷۱: ۲۸-۳۱).

ب- دوران اسلامی و تحولات ژئوپولیتیک تاریخی قهستان

تبعات ظهور اسلام به عنوان مهم ترین عامل تحولات ژئوپولیتیکی بر نظام سیاسی ایران بسیار چشمگیر بود (بای، ۱۳۸۸: ۲۹). نخستین تحولات ژئوپولیتیک تاریخی قهستان در دوران اسلامی همزمان با فتح این منطقه توسط سپاهیان عرب در سال ۲۲ هجری همراه است. موقعیت استراتژیکی قهستان سبب گردید که این منطقه به عنوان محل اصلی استقرار لشکریان و دروازه ورود سپاهیان اسلام به شمار آید. منابع تاریخی در خصوص فاتح قهستان اتفاق نظر ندارند. چنانکه گردیزی فاتح قهستان را عبدالله بن خازم خزیمه می‌داند و می‌نویسد: «..... و چون عثمان بن عفان به خلافت بنشست مرعبدالله بن عامر بن کریم را به خراسان فرستاد و عبدالله بن عامر مر عبدالله بن خازم را بر مقدمه خویش بفرستاد به راه پارس و گرگان و به طبسین بیرون آمدند و طبسین را بگشادند...» (گردیزی، ۱۳۶۳: ۲۱۲). از سوی دیگر، ابن اثیر، احنف بن قیس را فاتح قهستان معرفی می‌نماید و می‌نویسد: «احنف بن قیس در سال ۳۱ هجری از راه طبسین که دو

قلعه در مرز خراسان بود گذشت و مردم آنجا مصالحه کردند و سپس به قهستان آمد...» (این اثر، بی تا، ۳۰۲). به نظر می‌رسد نظر گردیزی به واقعیت نزدیک‌تر باشد زیرا از این تاریخ به بعد تا اوایل دوره‌ی قاجار خاندان خزیمه از موقعیت سیاسی بالایی در منطقه‌ی قهستان برخوردار بوده‌اند. تحول ژئوپولیتیکی دیگر این دوره، استقرار خوارج در قهستان است. در اوایل قرن دوم هجری خوارج به جهت موقعیت ژئوپولیتیکی قهستان و به تقلید از روش رسول اکرم (ص)، دارالجهریایی در این منطقه برپا ساختند و از آنجا همانند صدر اسلام پیروزمندانه سرزمین سیستان را مورد حمله قرار دادند (فرقانی، ۱۳۸۱: ۱۶۷). از مهم‌ترین دستاوردهای ژئوپولیتیک تاریخی قهستان در دوران طاهریان موقعیت تجاری این منطقه است به طوری که یکی از سه دروازه پوشنگ - مسقط الرأس خاندان طاهری - در این دوره را دروازه قهستان می‌نامیدند. و کالاهای قهستانی به سراسر خراسان و از جمله به هرات و پوشنگ صادر می‌شد (فرقانی، ۱۳۸۱: ۱۷۰). در زمان حکومت صفاریان قهستان از توابع سیستان به شمار می‌رفت. موقعیت ژئوپولیتیک قهستان سبب گردید که یعقوب این منطقه را تصرف و از آن به عنوان پایگاهی جهت حمله به خراسان استفاده نماید. وی محمد زیدویه را به عنوان حاکم و نماینده خود به قهستان فرستاد (تاریخ سیستان، ۱۳۷۳: ۲۲۶). در دوره سامانیان حکومت قهستان از طرف احمد بن اسماعیل سامانی به سیمجور محول شد و سیمجوریان نام خاندان معروف ایران قهستان و نیشابور بود. در مجمع الانساب شبانکاره‌ای در ذیل حکومت امیر عبدالملک بن نوح آمده است: «و فقها و صلحا در میان آمدند و صلح کردند بدان که بلخ و ترمذ و طرف مشرق همه از آن امیر محمود باشد که به غزنین نزدیک تر است و نیشابور و خراسان بکتوز و قهستان و جبال و طبرستان ابوالقاسم سیمجوری را» (شبانکاره‌ای، ۱۳۶۴: ۲۷). مهم‌ترین تحول ژئوپولیتیکی قهستان در زمان آل بویه جنگ قدرت‌های سیاسی آن روز یعنی مؤیدالدوله و فخرالدوله شمس‌المعالی قابوس بن وشمگیر بوده است. در تاریخ بناکتی آمده است: «الامیر مؤید الدوله ابومنصور بن بویه بن الحسن بعد از برادر پادشاه شد و با فخرالدوله شمس‌المعالی قابوس که والی طبرستان و قهستان بود محاربات بسیار کرد...» (بناکتی، ۱۳۵۸: ۲۲۱). در دوره سلجوقی قهستان یکی از مهم‌ترین تحولات

ژئوپلیتیک تاریخی خود را تجربه نمود. ظهور اسماعیلیان در این دوره نقطه‌ی عطفی در سیر تحولات ژئوپلیتیکی قهستان محسوب می‌شد که از منظر تحلیل‌های ژئوپلیتیکی تاریخی، قهستان در این زمان سرسختانه به تقابل نظامی و جدال ایدئولوژیکی با سیاست سلجوقیان می‌پرداخت.

در دوره‌ی حکومت اسماعیلیان، قهستان یکی از مراکز مهم دولت آنان پس از الموت محسوب می‌شد. حسن صباح سر سلسله اسماعیلیان شخصی به نام حسین قاینی را که یکی از داعیان او بود به قهستان فرستاد (ویلی، ۱۳۸۶: ۲۳۲). ابن اثیر در ذیل وقایع سال ۴۹۴ هجری قمری درباره پیشرفت کار اسماعیلیان می‌نویسد: «اسماعیلیه پیشرفت کرد و کارشان بزرگ شد و بر کل قهستان چیره شدند از جمله خور، خوسف، زوزن، قاین و تون و نواحی مجاور آن نقطه» (ابن اثیر، بی تا: ۲۹۲). در دوره‌ی مغولان، تصرف قلعه‌های اسماعیلیان نزاری (اسماعیلیان قهستان) از مهم ترین وقایع ژئوپلیتیک تاریخی قهستان است (بای، ۱۳۸۸: ۴۳). پس از شکست اسماعیلیان به وسیله مغولان تمام مناطقی که دست اسماعیلیان بود به تصرف مغولان درآمد. پس از مرگ ابوسعید آخرین پادشاه ایلخانی، گروهی به نام مولاییان در قهستان حکومت می‌کردند که مرکز حکومتشان گناباد بوده است (فرقانی، ۱۳۸۱: ۲۷۸-۲۶۳). در زمان تیموریان قهستان مانند سایر ممالک خراسان در تصرف این سلاطین بوده است و عده‌ای از شاهزادگان ایشان در این ولایت امارت داشته‌اند. سه پسر از شاه سلطان حسین بایقرا در قاین از دنیا رفته که در مزار شاهزاده حسین در بیرون مدفون هستند. (ایتی، ۱۳۷۱: ۹۳). در دوره‌ی صفویه تغییر در جغرافیای سیاسی قهستان و تبدیل آن به منطقه کوچتر قاینات از مهم ترین تحولات ژئوپلیتیک تاریخی می‌باشد. در این دوره که امرای عرب‌تبار خزیمه و شیبانی بر مناطق قهستان و بویژه طبس خرما و بیرجند استقرار داشتند، بیرجند را بتدریج به عنوان مرکز قدرت خود انتخاب کردند. (بهنیا، ۱۳۸۱: ۱۳۰). مک گروگر در کتاب سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان می‌نویسد: بیرجند بر سر راه کرمان، یزد، هرات، سیستان و شهرهای میان راه واقع است از این رو بازرگانان شهرهای مختلف به اینجا رفت و آمد می‌کردند (گرگر، ۱۳۶۶: ۱۶۰).

نگاهی گذرا به سیر تحولات ژئوپولیتیک تاریخی قهستان بیانگر آن است که استراتژی تصرف و کنترل قهستان به جهت موقعیت ژئوپولیتیک آن در شرق ایران در تمامی دوره‌های اسلامی اساس تفکر و اندیشه‌ی سیاسی قدرت‌های آن روز بوده است.

۳- مهم‌ترین مؤلفه‌های ژئوپولیتیک تاریخی قهستان

عواملی که در ژئوپولیتیک مؤثرند به دو دسته: عوامل ثابت و عوامل متغیر تقسیم می‌گردند. موقعیت جغرافیایی در بین عوامل ثابت ژئوپولیتیک و انسان در بین عوامل متغیر آن نقش دو قطب را در تحلیل‌های ژئوپولیتیک ایفا می‌کنند (عزتی، ۱۳۷۱: ۷۳). در ژئوپولیتیک تاریخی نیز عواملی گوناگونی از جمله عوامل جغرافیایی، اندیشه سیاسی، حکومت، و گستره تاریخی و سیاسی و تأثیر دارند (بای، ۱۳۸۸: ۱۰۹).

۳-۱- عوامل جغرافیایی

۳-۱-۱- موقعیت، حدود و وسعت جغرافیایی قهستان

از نظر ژئوپولیتیک جغرافیایی، موقعیت استراتژیکی قهستان و تقابل نظامی قدرت‌ها در کنترل سرزمین‌ها و مراکز مهم همجوار قهستان سبب گردید که این منطقه نیز همواره مورد توجه قدرتمندان سیاسی قرار گرفته و با تصرف و ایجاد پایگاه در آن به اهداف توسعه طلبانه خود پردازند. به همین جهت مرزهای جغرافیایی آن در بیشتر مواقع دستخوش تغییر و دگرگونی اساسی قرار داشته است و به تبع آن منابع جغرافیایی حدود و وسعت قهستان را متفاوت ذکر نموده‌اند (شکل ۲). هرچند که در قرن سوم هجری این رسته در اعلاق النفیس به نام قهستان اشاره نموده است (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۱۲۱). لیکن به طور مشخص در قرن چهارم هجری این ابن حوقل است که به موقعیت قهستان اشاره کرده و نوشته است: «قهستان(قوهستان) ناحیه‌ای از خراسان در بیابان فارس است و شهری بدین نام ندارد و قصبه آن قاین است (ابن حوقل، ۱۳۵۴: ۱۸۰). جیهانی در اشکال العالم ضمن اشاره به موقعیت قهستان نام شهرهای آن را نیز آورده است و یاد

آور شده: «قهستان از جمله خراسان است... و شهرهای آن قاین است و جنابذ و تون، خور، خوسف، طبس، کریت و طبس مسینا است» (جهانی، ۱۳۶۸: ۱۷۰). مقدسی جغرافیدان مشهور سده‌ی چهارم در خصوص وسعت قهستان می‌گوید: قهستان بیش از هشتاد فرسخ است جز آنکه بیشتر آن کوهستان، دره و بیابان‌هایی کم وسعت و بی‌درخت است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۳۷-۴۳۶). در فاصله قرون پنجم تا هفتم هجری هر چند به طور مشخص هیچ یک از منابع جغرافیایی به ذکر وسعت و حدود قهستان اشاره نکرده‌اند، لیکن با دقت در متون تاریخی که به ذکر وقایع و رویدادهای خراسان، سیستان و قهستان در این دوره‌ها پرداخته‌اند، از جمله: ابن اثیر، تاریخ سیستان، زبده التواریخ، طبقات ناصری و ... می‌توان گستره‌ی جغرافیایی آن را مشخص نمود. در این دوره که یکی از مهم‌ترین دوره‌های ژئوپلیتیک تاریخی قهستان - دوره اسماعیلیان - را شامل می‌گردد، شهرهای قاین، خور، خوسف، مؤمن‌آباد، ترشیز، گناباد، طبس مسینا، طبس گیلکی، دره، زیرکوه، تون، بجستان، بیرجند و نواحی اطراف آن در محدوده‌ی جغرافیایی قهستان قرار داشته است. در قرن هفتم هجری جغرافیای تاریخی قهستان تغییرات عمده‌ای یافت چنانکه حموی شهر ترشیز را که ابن حوقل آن را از توابع نیشابور ذکر کرده، در این زمان جزء محدوده‌ی قهستان آورده و حمدالله مستوفی نیز برای نخستین‌بار شهرهایی را در حوزه جغرافیایی قهستان ذکر کرده که قبلاً جزء آن نبود. حموی وسعت قهستان را به نقل از رهنی اینگونه بیان داشته: «اول بلاد قهستان خوسف و آخر آن اسپیدرستاق و عرض آن از کری تا زوزن است. قصبه قهستان قاین است و در مورد اسپیدرستاق با جنابذ اختلاف است» (حموی، ۱۳۹۹: ۱۵۰). حمدالله مستوفی در اواخر قرن هفتم حدود قهستان را دقیق‌تر و روشن‌تر ترسیم نموده است. وی قهستان را شامل شانزده ولایت ذکر نموده و می‌نویسد: «قهستان شانزده ولایت است از جمله ترشیز، تون، درح، فراه، نی‌بند، جنابذ، تنجه، دشت بیاض، بیرجند، خوسف، شاخن، خور، زیرکوه، طبس مسینا، طبس گیلکی، قاین، و شهرهای تون، قاین و جنابذ از معظم بلاد آن است» (مستوفی، ۱۳۶۳: ۸۰). اطلاعات مستوفی بسیار حائز اهمیت است. زیرا جغرافیای سیاسی قهستان در این دوره علاوه بر محدوده‌ی قهستان شامل بخش‌هایی از سیستان و افغانستان بوده است. در

قرن هشتم هجری مورخ مشهور حافظ ابرو می‌نویسد: «قَهستان ولایتی طویل و عریض است دور آن قریب صد فرسخ زیاده باشد. شرقی آن ولایت خواف است و بیابانی که میان خواف و فراه و سیستان افتاده است. غربی آن بیابانی است که میان فارس و کرمان افتاده است. شمالی آن نیشابور و سبزوار است و جنوبی اعمال سجستان و بیابان کرمان و قَهستان مشتمل است بر چند قبصه و ناحیت بزرگ. ناحیت‌های قَهستان عبارتند از جنابذ، ناحیت بیرجند، تون (فردوس)، زیرکوه، ناحیت بجستان، ناحیت نهارجان، ناحیت دشت بیاض، طبس گیلکی و رقه شاخن، نشارود، ناحیت مؤمن‌آباد، ترشیز (کاشمر) قاین، طبس مسینا و خوسف» (حافظ ابرو، ۱۳۷۰: ۳۳-۲۸). مناطقی که حافظ ابرو به آنها اشاره نموده پیشتر مستوفی به آنها اشاره داشته است، لیکن وی برای نخستین بار به ناحیه‌ی نهارجان اشاره نموده است که از نظر موقعیت جغرافیایی در جنوب قَهستان و در نزدیکی مؤمن‌آباد قرار داشت. قَهستان در قرن دهم هجری محدودی کوچکتری را شامل می‌شده است. مهم‌ترین تحولی که از حیث ژئوپولیتیکی در این دوره رخ داد، جدا شدن بخشی از شهرهای آن است. چنان‌که اسفزاری در روضه الجنات می‌نویسد: «ولایت قَهستان ۹ سرکار است و ۹ بلوک، چون: تون و طبس مسینا، دشت بیاض، نهارجان، مومن‌آباد، شاخین، فشارود، جنابذ، زیرکوه» (اسفزاری، ۱۳۲۸: ۳۲۷). لسترنج در مورد قَهستان این چنین اظهار نظر نموده است: «در شمال شرقی دریاچه‌ی زره بر لب کویر استانی کوهستانی موسوم به قَهستان واقع بود و تون و قاین دو شهر معروف آن بودند که مارکوپولو در سفرنامه خود آنها را تون و کاین نامیده است. سیستان و قَهستان مرز جنوبی خراسان است...» (بلنیتسکی، ۱۳۷۱: ۲۸). با ظهور حکومت صفوی حیات سیاسی قَهستان پایان پذیرفت و از این زمان قَهستان جای خود را به منطقه‌ای جدید به نام قاینات داد که حوزه‌ی آن خیلی کوچک‌تر از قَهستان و مرکزیت سیاسی آن را نیز بیرجند به عهده داشت.

۳-۲-۱- شهرهای قهستان و موقعیت جغرافیایی آنها

همانطور که پیشتر اشاره گردید، قهستان دارای شهرهای آبادی بوده که از نظر موقعیت جغرافیایی نقش مهمی در تحولات ژئوپلیتیک تاریخی این منطقه بویژه در دوران اسلامی برعهده داشته‌اند. مهم ترین شهرهای قهستان بر طبق متون جغرافیایی که پیشتر به آن اشاره گردید عبارتند از: قاین، جنابذ، ناحیت بیرجند، تون (فردوس)، زیرکوه، ناحیت بجستان، ناحیت نهارجان، ناحیت دشت بیاض، طبس گیلکی و رقه شاخن، فشارود، ناحیت مؤمن‌آباد، ترشیز «کاشمر» (شکل ۳).

قاین

از بزرگ ترین شهرهای قهستان که از دیر باز تا زمان صفویه مرکز سیاسی این منطقه را بر عهده داشت، قاین بود. ابن حوقل درباره‌ی آن می‌گوید: «دارای قهندژ و خندق و مسجد جامع است و مقرر حاکم در قهندژ می‌باشد. آب آنجا از قنات‌ها است. باغستان اندک دارد و دهکده‌های آنجا پراکنده است و یکی از نواحی سردسیر به شمار می‌آید» (ابن حوقل، ۱۳۵۴: ۳۲۴). اصطخری در المسالک و الممالک یاد آور شده: «قهستان از جمله خراسان است بر کنار بیابان پارس و شهری به این نام ندارد و قصبه این ناحیت را قاین خوانند...» (شکل ۴). حمدالله مستوفی نوشته است: «از قاین به هر شهر ولایت قهستان غیر از ترشیز و طبس گیلکی بیست فرسنگ باشد و هوای معتدل دارد و حاصلش غله، میوه و زعفران بسیار باشد و اکثر مردم آن شهر سپاهی باشند (مستوفی، ۱۳۶۳: ۸۴). نویسنده کتاب حدودالعالم یاد آور شده: «قاین قصبه‌ی کوهستان است و از گرد وی خندق است و او را قهندژ است و مزگت جامع و سرای سلطان اندر قهندژ است و جایی سردسیر است (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۹۰). ابوالفداء نیز نوشته است: «قهستان ناحیت وسیعی است بین نیشابور و هرات و اصفهان و یزد و قصبه‌ی آن قاین است...» (ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۵۱۲).

طبسین

در شرق و غرب قهستان دو ناحیه همنام وجود دارد که طبسین خوانده می‌شود (فرقانی، ۱۳۸۱: ۴۰). از نظر ژئوپولیتیک تاریخی، طبسین اهمیت خاصی در میان شهرهای قهستان دارد. شهر طبس مسینا (در شرق قهستان) در کنار یکی از راه‌های تجاری قهستان به مناطق همجوار قرار داشته و طبس خرما یا گلشن مکانی است که یکی از وقایع مهم ژئوپولیتیک تاریخی قهستان در سده نخستین اسلامی در هنگام ورود سپاهیان اسلام در آن اتفاق افتاده است. در سال‌های ۲۸-۲۹ هجری که اعراب به خراسان هجوم آوردند، طبس و یا طبسین که مفهوم «کریت» را دارد، اولین جایی بود که به تصرف آنها در آمد (بلاذری، ۱۳۴۶: ۲۸۵). طبس خرما در کنار کویر بزرگ واقع بود و بیشتر راه‌هایی که از کویر عبور می‌کردند به طبس منتهی می‌گردید، به همین دلیل بلاذری آن را دروازه خراسان نامیده است (بلاذری، ۱۳۴۶: ۱۴۰۳). ناصر خسرو یاد آور شده: «... طبس شهری انبوه است اگر چه به روستا نماید... مردم آنجا چنان که شب در سرای‌ها و ستور در کوه‌ها باشد... و هیچ زن را زهره نباشد که با مرد بیگانه سخن گوید و اگر گفتمی هر دو بکشتندی...» (ناصر خسرو، ۱۳۴۳: ۱۴۸). زین العابدین شیروانی در بستان السیاحه نقل کرده است: «... بلده‌ی است دلنشین از مضافات خراسان... حاصلش خرما، تنباکو و گندم...» (شیروانی، ۱۳۴۸: ۳۸۳). حمدالله مستوفی درباره طبس مسینا نوشته: «شهری کوچک است گرمسیر و در آن نخلیات فراوان بود آبش از کاریز است غلات این قصبه در هفتاد روز آب خورد...» (مستوفی، ۱۳۶۳: ۱۸۴).

ترشیز

این شهر که در شمال قهستان واقع بود، در دوره اسماعیلیان یکی از مراکز مهم نظامی آنان محسوب می‌گردید. جغرافی نویسان آن را به صورت طرشیت و بعدها ترشیش، ترشیس، ترشیز ضبط کرده‌اند (اصطخری، ۱۳۴۷: ۲۵۶. مقدسی، ۱۳۶۱: ۳۱۸. حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۴۸. لسترنج، ۱۳۷۳: ۳۷۹). مقدسی ترشیز را چنین وصف نموده: «جز مسجد دمشق، مسجدی از آن بهتر نباشد

و جلوی در آن حوضی مدور قرار دارد. ترشیز بازارهایی معمور داشت و انبار خراسان محسوب می‌شد و کالاهای تجارتي از آنجا به فارس و اصفهان و از فارس و اصفهان به آنجا حمل می‌شد» (مقدسی، ۱۳۶۳: ۱۴۸). حمدالله مستوفی ترشیز را از شهرهای عمده‌ی قهستان به شمار آورده و نوشته است: «در ولایت ترشیز چند قلعه محکم است اول قلعه بردارود، دوم قلعه میکال، سوم قلعه مجاهد آباد، چهارم قلعه آتشگاه و از این ولایت غله و میوه به نیشابور و سبزوار برند و سایر ولایات نیز برند» (مستوفی، ۱۳۶۳: ۱۴۳). شرف‌الدین علی یزدی فتح ترشیز را به وسیله تیمور تشریح و وصف نموده و معتقد است که از آن پس اسم ترشیز از نقشه محو گردید (یزدی، ۱۹۷۳: ۳۴۴).

بیرجند

مهم ترین رویداد ژئوپلیتیک تاریخی بیرجند، جایگزین شدن آن به جای قاین به عنوان مرکز قهستان (قاینات جدید) است. هیچ یک از جغرافی نویسان قبل از یاقوت حموی از بیرجند نام نبرده اند. یاقوت در قرن هفتم نوشته است: «بیرجند یکی از بهترین شهرهای ایالت قهستان است (حموی، ۱۳۹۹: ۷۸۳). حمدالله مستوفی یاد آور شده: «در بیرجند زعفران بسیار باشد و اندکی غله حاصل شود و چند موضع توابع دارد و در دیه‌های آن انگور و میوه‌ها باشد (مستوفی، ۱۳۶۳: ۱۸۴). از قرن هفتم به بعد به کرات در تاریخ سیستان، نزهت القلوب، جغرافیای خراسان، تاریخ حافظ ابرو و سفرنامه تاورنیه و دیگر آثار از بیرجند یاد شده است (بهنیا، ۱۳۸۱: ۱۳۳). حافظ ابرو در مورد شهر بیرجند آورده است: «مردم آن ناحیه اکثراً بازرگان باشند و آب و زمین، هر یک قیمتی علی حده دارد (حافظ ابرو، ۱۳۷۰: ۶۱۲). در دوران صفویه بیرجند از آن جهت که به مرکز کویر واقع شده بود، برای کاروان‌هایی که از اصفهان به قصد قندهار و هند حرکت می‌کردند به عنوان یک منزلگاه شناخته شده بود. به مرور زمان در اثر گسترش راه‌های تجاری و کثرت عبور و مرور، این منزلگاه رشد کرده و به آبادی و سپس به

قصبه و شهر تبدیل شد و بتدریج به عنوان مرکز قاینات، عنوان حاکم نشین ولایت قاینات را به دست آورد (بهنیا، ۱۳۸۱: ۱۳۵).

۳-۲- عوامل اقتصادی

۳-۲-۱- شاهراه‌های تجاری قهستان

به سبب موقعیت خاص قهستان و قرار داشتن این منطقه بین ایالات سیستان و سرزمین پهناور خراسان، کرمان و مکران در جنوب و قندهار در جنوب شرقی، راه‌های کاروان‌رو مهمی از این سرزمین عبور می‌کرد (فرقانی، ۱۳۸۱: ۸۱)، (شکل ۵). بارتولد قهستان را به جهت اینکه محل تلاقی راه‌های ارتباطی مهمی بوده است، دارای اهمیت دانسته و می‌نویسد: «قهستان ولایتی است کوهستانی در جنوب خراسان که چند راه را به هم متصل می‌کند. راهی که از طریق راور و نهبند به خور می‌رود. راهی که از طریق خبیص (شهاداد) به خوسپ (خوسف) امتداد یافته اراضی وسیع روستاها را از هم جدا می‌کند» (بارتولد، ۱۳۷۲: ۵۰). مهم‌ترین راه‌های مواصلاتی که از قهستان عبور می‌کرد بدین قرار است:

راه سیستان به قهستان و نیشابور

این راه از زرنگ (زرنج) سیستان شروع می‌شد و بعد از رسیدن به طبسین به طبس مسینا می‌رسید و از آنجا به قاین می‌رفت. این راه از کنار دژهای بزرگ و معتبر دره و طبس مسینا که از جایگاه‌های مهم اسماعیلیان بود عبور می‌نمود و اسماعیلیان با استفاده از استحکامات خود در تمام مسیر کاروانیان را زیر نظر و مراقبت داشتند و این راه را یکی از منابع مهم درآمدی اسماعیلیان قهستان بود (فرقانی، ۱۳۸۱: ۸۳).

راه خبیص - قهستان

ابن حوقل این مسیر را این‌گونه توصیف نموده است پس از طی شش منزل از سیرجان به خبیص می‌رسید و از آنجا به قهستان پیوست (ابن حوقل، ۱۳۵۴: ۷۹).

راه سیستان - قهستان

این راه پس از رسیدن به بم و طی مسیر در حدود هفتاد و پنج فرسخ در بیابان به زرنج در سیستان می‌رسید و از زرنج به طبسین و دره و طبس مسینا و قاین و از آنجا به نیشابور یا برون و خواف و هرات وصل می‌شد (فرقانی، ۱۳۸۱: ۸۲).

راه قهستان - مرکز ایران

ابن حوقل منزلگاه‌های آن را بدین صورت آورده است: از نائین تا مزرعه بوز یک منزل و از آنجا تا رباط خوران یک منزل و از آنجا به قریه آتشگهان یک منزل و از آنجا تا طبس یک منزل است. راه‌های یزد و شور و نایین در قریه کری به هم می‌پیوندند و این قریه هزار تن سکنه دارد و فاصله آن تا طبس سه فرسخ است (فرقانی، ۱۳۸۱: ۸۲).

۳-۲-۲- منسوجات و کشاورزی

منابع تاریخی و جغرافیایی اقتصاد قهستان را بر پایه کشاورزی و بویژه منسوجات توصیف نموده‌اند. قهستان در زمینه تولید پارچه‌های ابریشمی، فرش، قالیچه، سجاده و صادرات آن به دیگر نواحی مشهور بود. تا آن حد که بزرگان حکومتی از لباس‌های تولید هنرمندان قهستانی استفاده می‌کردند. چنانکه طبری در ذکر وقایع سده‌های اول و دوم هجری می‌نویسد: «عمر بن سعید بن عاص رقیب عبدالملک اموی قبا و پیراهن قهستانی در بر داشت». و همچنین می‌نویسد، در سال صد و بیست هجری بزرگان خراسان و از جمله دهقانان هدایای زیادی به اسد ابن عبدالله حاکم خراسان تقدیم کردند که در میان آنها دیبای مروی و قهستانی قرار داشت (طبری، ۱۳۵۳: ۸، ۳۴۴۸ و ۹). روایت اصطخری و مقدسی بیانگر آن است که قهستان در قرن

چهارم هجری نیز در زمینه منسوجات بویژه تولید قالی و قالیچه مشهور بوده است. اصطخری یاد آور شده: «از قهستان کرباس باریک برخیزد و پلاس و آنچه به این ماند» (اصطخری، ۱۳۴۷: ۲۱۶). و مقدسی نیز قالی‌ها و قالیچه‌های قهستانی را مشهور دانسته است (فرقانی، ۱۳۸۱: ۷۱). ناصر خسرو در توصیف شهر تون نوشته است: «گفتند در این شهر چهار صد کارگاه بوده که زیلو بافتندی...» (ناصرخسرو، ۱۳۴۳: ۱۴۸). ابوالفضل بیهقی روایتی نقل کرده که باردیگر بر اهمیت تولیدات پارچه‌های قهستان صحنه می‌گذارد. وی در این روایت قاین را یکی از مراکز مهم تولید منسوجات قهستان معرفی نموده که پارچه‌های آن با تولیدات نیشابور برابری می‌کرده است: «احمد بن حسن میمندی پس از خلعت گرفتن از سلطان مسعود چون دیگر روز به درگاه آمد با خلعت نبود که بر عادت گذشته قبایی ساخته کرد، و دستاری نیشابوری یا قاینی که این مهتر را رضی الله عنه با این جامه دیدندی برون‌گار» (بیهقی، ۱۳۳۷: ۵۹۱). قهستان همچنین یکی از مراکز تولید پارچه‌های ابریشمی بود. بیهقی از تولیدات پارچه‌های قهستان که به صورت پیراهن‌های الوان و رنگارنگ و دستارهای سفید تهیه می‌شد یاد نموده است (بیهقی، ۱۳۳۷: ۱۹۱). حمدالله مستوفی در توصیف شهرهای زیر کوه، گناباد از تولید ابریشم آنها یاد نموده است (مستوفی، ۱۳۶۳: ۱۴۴). در اواخر قرن نهم نیز قهستان همچنان جایگاه مناسبی در تولید پارچه و منسوجات داشته است. چنانکه معین الدین اسفزاری می‌نویسد: «پوشش اکثر مردم هرات از قهستان است از مله و خود رنگ و غیر آن» (اسفزاری، ۱۳۲۸: ۳۲۷). در اواخر قرن نوزدهم قهستان بویژه بیرجند در زمینه تولید قالی مشهور بوده است زیرا سرپرسی سایکس قالی‌های بافت درخش را ستوده است (سایکس، ۱۳۶۳: ۴۰۲). در زمینه‌ی تولیدات کشاورزی هرچند قهستان به جهت شرایط سخت اقلیمی و محروم بودن از منابع آبی فراوان از کشاورزی پر رونقی برخوردار نبوده است، لیکن همین شرایط سخت اقلیمی محیط مناسبی برای کشت برخی محصولات از جمله زعفران و عناب را فراهم کرد که از دیر باز تاکنون یکی از اقلام مهم صادراتی این منطقه محسوب می‌گردد. چنان که حمدالله مستوفی مهم‌ترین محصولات کشاورزی قهستان را زعفران و مراکز کشت آن را قاین و بیرجند ذکر نموده است (مستوفی،

۱۳۶۳: ۱۴۴-۱۴۳). از دیگر محصولات کشاورزی صادراتی قهستان میوه بود. مستوفی درنزهت القلوب از صادرات میوه‌های ترشیز به نیشابور و سبزوار یاد کرده است (مستوفی، ۱۳۶۳: ۱۴۶ - ۱۴۵). سرپرسی سایکس یاد آور گردیده: گلابی و سیبی که از منطقه قاین به دست می‌آید به جرأت می‌توان گفت که در کمتر نقاط دنیا نظیر دارد (سایکس، ۱۳۶۳: ۴۰۱).

۳-۳- عوامل نظامی و استراتژیکی

۴-۳-۱- قلاع و استحکامات دفاعی قهستان

شرایط ویژه جغرافیایی و استراتژیکی قهستان سبب گردید که این منطقه از دوره‌ی قبل از اسلام بویژه دوران اسلامی کانون توجه حکومت‌ها قرار گرفته و آنان با احداث دارالهجراه‌ها، دژها و سایر استحکامات دفاعی سعی در تثبیت موقعیت سیاسی خود و در صورت لزوم تصرف سرزمین‌های همجوار داشته باشند. منابع تاریخی حکایت از آن دارند که اسماعیلیان با تصرف و بازسازی دژهایی که از دوره‌های قبل در منطقه وجود داشته به تحکیم موقعیت سیاسی، نظامی و تبلیغ ایدئولوژی خود می‌پرداخته‌اند، بنابراین باید پذیرفت که یکی از درخشان‌ترین دوره‌های قلعه سازی قهستان در دوران حکومت اسماعیلیان اتفاق افتاده است.

نهضت اسماعیلیه در هیچ منطقه‌ای به اندازه قهستان گسترده و از حمایت عمومی برخوردار نبود. زیرا جمعیت کثیری از اسماعیلیان در سده‌های میانه در قهستان می‌زیستند. رهبر اسماعیلیان قهستان حسین قاینی بود که در تسخیر دژ الموت به حسن صباح کمک نموده بود. وی به عنوان داعی به قهستان بازگشت و این منطقه را به لحاظ داشتن قلاع و استحکامات دفاعی مستحکم‌ترین ایالت دولت اسماعیلی گردانید. ماهیت و گستره‌ی بخش شرقی دولت اسماعیلیان در ایران و بویژه توصیف قلعه‌های آنها در منطقه‌های مختلف تا روزگاران اخیر مبهم و غیر دقیق باقی مانده است (ویلی، ۱۳۸۶: ۲۳۲ و ۲۳۱). جوینی در تاریخ جهانگشا حدس می‌زند که حداقل پنجاه قلعه اسماعیلی در قهستان وجود داشته است (جوینی، ۱۳۳۰، ۲: ۶۳۷). جوزجانی تعداد قلاع قهستان را بیش از پنجاه قلعه ذکر نموده و نوشته: «در بلاد ملحدستان صد و پنجاه باره قلعه، هفتاد قلعه

در بلاد قهستان و سی و پنج باره قلعه در کوه‌های عراق که آن را الموت گویند وجود دارد» (فرقانی، ۱۳۸۱: ۳۴۸). آنچه که مشخص است قهستان در زمان اسماعیلیان شامل شبکه بزرگی از قلعه‌ها و دژهای اسماعیلی بود که از تون (فردوس) و قائن در شمال تا نهبندان در مرزهای سیستان در جنوب گسترده بودند (ویلی، ۱۳۸۶: ۲۵۹). موقعیت خاص دوری از مرکز حکومت، وضعیت طبیعی و وجود کوه‌های بلند و صعب العبور از مهم‌ترین علل حضور فداییان اسماعیلیان در قهستان بود (زعفرانلو، ۱۳۸۰: ۲۲). برخی از قلاع و استحکامات دفاعی قهستان عبارتند از: قلعه قاین، قلعه کل حسن صباح یا مؤمن آباد، قلعه فورگ، قلعه بیرجند، قلعه دُره، قلعه طیس مسینا، قلعه‌های تون، قلعه مزار گناباد، قلعه خوسف، قلعه ترشیز و ... (فرقانی، ۱۳۸۱: ۳۶۵-۳۶۴)، (شکل ۶). مهم‌ترین قلاع قهستان عبارت بودند از:

قلعه‌ی قاین

یکی از بزرگ‌ترین و گیراترین قلعه‌های قهستان در قاین واقع شده است. با آنکه مغولان این قلعه را بشدت تخریب نمودند، هنوز بخشی از نقشه‌ی اصلی خود را حفظ کرده است. قاین به صورت مرکز اداری و کرسی قهستان و مقر حکومت اسماعیلی که محتشم خوانده می‌شد، سکونتگاه مناسبی برای میهمانان بر جسته و دانشمندان بود. متفکر نامدار اسماعیلی خواجه نصیرالدین طوسی سال‌های زیادی به عنوان دانشمند مقیم در قاین به سر برد و سپس به الموت رفت. قلعه به معنی اخص، حدود سیصد متر طول دارد و به سه محوطه عمده تقسیم شده است. قلعه پایین، قلعه میانی و قلعه بالا و هر بخش یک واحد خودکفا با استحکامات خاص خود است. استحکامات دفاعی قاین همان اندازه قوی و اساسی است که دیگر قلعه‌های اسماعیلی است (ویلی، ۱۳۸۶: ۲۴۴-۲۳۶). حموی به نقل از مقدسی نوشته است: قاین شهرکی است کوچک، تنگ، نامطلوب، زبان‌شان خشن... مگر این که در آن جا قلعه‌ای است بلند و رفیع که نام آن «نعمان الکبیر» است. این قلعه که بعد از حمله مغول ویران‌گردیده بود، در دوره‌ی تیموریان

مرمت گشت. زیرا در جدال‌های درونی شاهزادگان تیموری از قلعه قاین گفت‌وگو فراوانی شده است (فرقانی، ۱۳۸۱: ۳۵۶).

قلعه‌ی کل حسن صباح یا مؤمن آباد

قلعه‌ی کل حسن صباح یا مؤمن آباد در نزدیکی روستای «نصر آباد» و در بخش درمیان قرار دارد. این قلعه با ارزش‌ترین و مهم‌ترین قلعه قهستان در منطقه جنوب خراسان و دومین مرکز عمده دفاعی اسماعیلی پس از قلعه الموت در ایران بوده است (زعفرانلو، ۱۳۸۰: ۱۰۷). دلیل عمده شهرت آن ارتباطش با یکی از رویدادهای بسیار اساسی در تاریخ آغازین نهضت اسماعیلی یعنی اعلام قیامت به وسیله خداوندگار الموت حسن دوم است. این واقعیت که مؤمن آباد برای اعلام دومین بخش اعلام قیامت انتخاب شد، دلالت بر اهمیتی دارد که این محل در آن زمان داشته است و دومین مرکز بعد از الموت در دولت اسماعیلی ایران محسوب می‌شده است. نقشه کف قلعه نشان می‌دهد که مؤمن آباد فضای بسیار بزرگی شبیه به شکل یک نعل اسب بزرگ است. پس از آنکه مغولان مؤمن آباد را تسخیر کردند، قلعه را به تمامی و به دقت ویران ساختند. با آنکه جوینی چیزی مشروحاً در باره تخریب و عمل ویرانی مؤمن آباد به ما نمی‌گوید اما با تحقیر و مذمت گویی به مؤمن آباد به عنوان منشاء کفری و الحاد اشاره کرده است (ویلی، ۱۳۸۶: ۲۷۳-۲۷۱). حمدالله مستوفی درباره‌ی این قلعه نوشته: «قلعه‌ای محکم در آن ولایت است که ملاحظه ساخته‌اند و در غایت استحکام است» (همان: ۳۵۴). ولی در قرن دهم هجری ویران و غیر مسکون بوده است، زیرا معین الدین اسفزاری می‌نویسد: یکی از قلعه‌ها که به کل حسن صباح و پیروان آن منسوب بوده مؤمن آباد است و حالا از گور ایشان خراب‌تر است (اسفزاری، ۱۳۲۸: ۳۲۷).

نتیجه

منطقه قهستان به جهت موقعیت ژئوپلتیکی و استراتژیکی همواره از موقعیت ممتاز و مهمی در تشکیلات اداری و سیاسی سلسله‌های قبل از اسلام و بویژه دوران اسلامی برخوردار بوده

است. مهم‌ترین تحول ژئوپولیتیک تاریخی قهستان در دوران تاریخی را می‌توان ظهور اقوام ساگارتی، پارت‌ها و هپتالیان دانست. در دوره‌ی اشکانیان و ساسانیان قهستان از ایالات مهم و معتبر در شرق ایران به شمار رفته و کشف سنگ نگاره‌های کال جنگال و لاج مزار ثابت می‌کند که گذرگاه اصلی خراسان و قهستان به سوی کرمان و جنوب ایران از این منطقه عبور می‌کرده است. تحولات ژئوپولیتیک تاریخی قهستان در دوران اسلامی همزمان با فتح این منطقه توسط سپاهیان عرب در سال ۲۲ هجری همراه است. شرایط ویژه‌ی جغرافیایی و استراتژیکی قهستان سبب گردید که این منطقه به عنوان محل اصلی استقرار لشکریان و دروازه‌ی ورود سپاهیان اسلام، کانون توجه حکومت‌ها قرار گرفته و آنان با احداث دارالهیجره‌ها، قلعه‌ها و سایر استحکامات دفاعی سعی در تثبیت موقعیت سیاسی خود و در صورت لزوم تصرف سرزمین‌های همجوار داشته‌اند. موقعیت ژئوپولیتیک این منطقه سبب گردید که در دوره‌ی حکومت اسماعیلیان، قهستان یکی از مهم‌ترین مراکز سیاسی و نظامی و ایدئولوژیکی نهضت اسماعیلیه بعد از الموت به شمار رفته و استحکامات دفاعی عظیمی در این منطقه احداث گردد. قرار داشتن این منطقه بین ایالات سیستان و سرزمین پهناور خراسان، کرمان و مکران در جنوب و قندهار در جنوب شرقی سبب گردید که قهستان از نظر موقعیت تجاری نیز حائز اهمیت باشد و راه‌های کاروانرو مهمی از این سرزمین عبور نماید. علت عمده‌ی تغییرات مرزهای جغرافیایی قهستان در دوره‌های مختلف را می‌توان تقابل نظامی قدرت‌های سیاسی آن روزگار در کنترل این منطقه و مراکز مهم همجوار آن دانست. به همین جهت مرزهای جغرافیایی آن در بیشتر مواقع دستخوش تغییر و دگرگونی اساسی قرار داشته و به تبع آن، منابع جغرافیایی حدود و وسعت قهستان را متفاوت ذکر نموده‌اند. لیکن عمده‌ی جغرافیدانان مسلمان به موقعیت کوهستانی قهستان و مرکزیت سیاسی قاین تا دوره صفویه اجماع نظر داشته‌اند. در مجموع می‌توان حدود جغرافیایی قهستان را این‌گونه مشخص نمود که از شمال غرب به دشت کویر و از جنوب و جنوب غرب به کویر و از شرق به دشت نا امید و بیابان‌های غرب افغانستان محدود می‌شده است. منطقه‌ای که امروزه شهرهای بیرجند، نهبندان، خوسف، قاین، مود و فردوس در استان خراسان جنوبی (شکل ۱) و

شهرهای گناباد، کاشمر، تربت حیدریه، تربت جام و نواحی اطراف آن تا جنوب نیشابور در استان خراسان رضوی و بخش‌هایی از استان سیستان و بلوچستان را شامل می‌شده است. قهستان که از سده‌های نخستین اسلامی تا دوره‌ی مغولان از اهمیت فراوانی برخوردار بود، در این دوره به علت توجه‌ی ایلخانان به مناطق غربی ایران تا حدود زیادی موقعیت سیاسی خود را از دست داد، لیکن در دوره‌ی صفوی مجدداً مورد توجه قرار گرفت. هر چند که حوزه‌ی جغرافیایی آن کوچک تر از قهستان و مرکز آن از قاین به بیرجند منتقل و نام قهستان نیز به قاینات تغییر یافت.



منابع

- ۱- آیتی، محمد حسین (۱۳۷۱) بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قهستان. تهران: انتشارات فردوسی.
- ۲- ابن اثیر، عزالدین علی (بی‌تا) تاریخ بزرگ اسلام ایران. ترجمه‌ی علی هاشمی حائری. تهران: انتشارات ساکت.
- ۳- ابن حوقل (۱۳۵۴) صوره الارض. ترجمه‌ی جعفر شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۴- ابن رسته، عمر (۱۳۶۵) اعلاق النفیسه. ترجمه‌ی قره چانلو. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۵- ابن فقیه، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق همدانی (۱۳۴۹) مختصر البلدان. ترجمه ح. مسعود. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ.
- ۶- ابوالفداء (۱۳۴۹) تقویم البلدان. ترجمه عبدالحمید آیتی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ۷- اسفزاری، معین الدین (۱۳۲۸) روضات الجنات فی اوصاف مدینه الہرات. به کوشش محمد کاظم امام. تهران: انتشارات دانشکاه تهران.
- ۸- اصطخری، ابو اسحاق ابراهیم (۱۳۴۷) المسالک و الممالک. ترجمه عبدالله شتری، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- ۹- بارتولد، واسیلی ولادمیر ویچ (۱۳۷۲) تذکره جغرافیای تاریخی. ترجمه حمزه سردادور. تهران: انتشارات طوس.
- ۱۰- بای، یارمحمدی (۱۳۸۸) ژئوپولیتیک تاریخی ایران. چاپ ۱. تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۱۱- بلاذری، احمد بن عیسی (۱۳۴۶) فتوح البلدان. ترجمه آذرتاش آذرنوش. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۲- بلنیتسکی، الکساندر (۱۳۷۱) خراسان و ماورالنهر. ترجمه پرویز ورجاوند. چاپ ۲. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

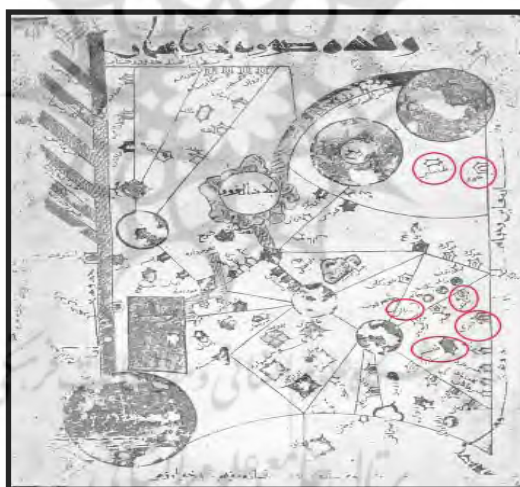
- ۱۳- بناکتی (۱۳۵۸) *روضه اولی الالباب فی معرفه التواریخ و الانساب*. به کوشش جعفر شعار. تهران: انتشارات انجمن آثار فرهنگی.
- ۱۴- بهنیا، محمد رضا (۱۳۸۱) *بیرجند نگین کویر*. چاپ ۲. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۵- بیک محمدی، حسن (۱۳۸۶) *مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی ایران*. چاپ ۴. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- ۱۶- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۳۷) *تاریخ بیهقی*. به اهتمام علی اکبر فیاض. مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
- ۱۷- مجهول المؤلف (۱۳۷۳) *تاریخ سیستان*. ویرایش جعفر مدرس صادقی. چاپ ۱. تهران: انتشارات نشر مرکز.
- ۱۸- جوینی، عطاءالملک (۱۳۳۰) *تاریخ جهانگشای جوینی*. به اهتمام محمد رضانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۹- جیهانی (۱۳۶۸) *اشکال العالم*. ترجمه علی ابن عبدالسلام کاتب. تعلیقات فیروز منصوری. مشهد: انتشارات استان قدس رضوی.
- ۲۰- حافظ ابرو (۱۳۷۰) *جغرافیای تاریخی خراسان*. تصحیح و تعلیق غلامرضا ورهرام. تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۲۱- مولف نامعلوم (۱۳۶۲) *حدود العالم*. به کوشش منوچهر ستوده. تهران: انتشارات طهوری.
- ۲۲- حموی، یاقوت (۱۳۶۲) *برگزیده مشترک*. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ۲۳- حموی، یاقوت (۱۳۹۹) *معجم البلدان*. ترجمه فرید عبدالعزیز. بیروت.
- ۲۴- دمشقی، شمس الدین محمد (بی تا) *نخبه الدهر فی عجائب البر و البحر*. بیروت.
- ۲۵- زعفرانلو، رقیه (۱۳۸۰) *سیمای میراث فرهنگی بیرجند*. تهران: انتشارات مدیریت میراث فرهنگی بیرجند.

- ۲۶- سایکس، سرپرسی (۱۳۶۳) ده هزار مایل در ایران. ترجمه حسین سعادت. تهران: انتشارات لوحه.
- ۲۷- شاطری، مفید (بی تا) گذاری بر جغرافیای تاریخی قهستان، فرهنگ خراسان جنوبی. سال اول. شماره اول.
- ۲۸- شبان کاره‌ای، محمد بن علی ابن محمد (۱۳۶۴) مجمع النشاد. به تصحیح میر هاشم محدث. انتشارات امیرکبیر.
- ۲۹- شیروانی، زین العابدین (۱۳۴۸) بستان السیاحه. تهران: انتشارات تابنده.
- ۳۰- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۳۵۳) تاریخ الرسل و الملوک. ترجمه ابولقاسم پاینده. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۳۱- عزتی، عزت الله (۱۳۷۱) ژئوپولیتیک. چاپ ۱. تهران: انتشارات سمت.
- ۳۲- فرای، ریچارد (۱۳۵۸) عصر زرین فرهنگ ایران. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: انتشارات سروش.
- ۳۳- فرقانی، محمد فاروق (۱۳۸۱) تاریخ اسماعیلیان قهستان. چاپ ۱. تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۳۴- گابریل، آلفونس (۱۳۸۱) مارکوپولو در ایران. ترجمه پرویز رجبی. تهران: انتشارات اساطیر.
- ۳۵- گردیزی، ابوسعید (۱۳۶۳) زین الاخبار. به تصحیح عبدالحی حبیبی. تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- ۳۶- گرگر، سی ام (۱۳۶۶) شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۳۷- لباف خانیکی، رجبعلی (۱۳۷۳) قهستان خاستگاه ساگارتیان. مشهد: انتشارات پاژ.
- ۳۸- لسترنج، گای (۱۳۷۳) تاریخ سرزمینهای خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان. چاپ ۴. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

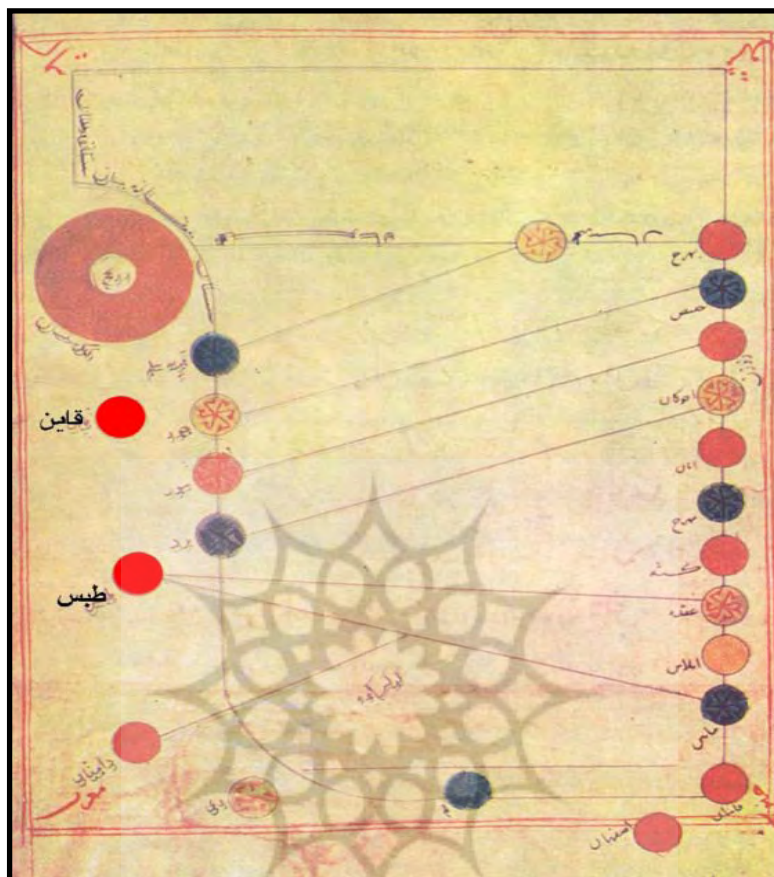
- ۳۹- ویلی، پیتر (۱۳۸۶) **آشیانه عقاب** (قلعه‌های اسماعیلی در ایران و سوریه). ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: انتشارات فرزان.
- ۴۰- مارکوات، یوزف (۱۳۷۳) **ایران‌شهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی**. ترجمه مریم میر احمدی. تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۴۱- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۷۹) **ایده‌های ژئوپولیتیک و واقعیت‌های ایرانی**. چاپ ۱. تهران: انتشارات نشر نی.
- ۴۲- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۱) **جغرافیای سیاسی، سیاست جغرافیایی**. چاپ ۱. تهران: انتشارات سمت.
- ۴۳- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۳) **نزه القلوب**. به کوشش محمود دبیر سیاحتی. تهران: انتشارات طهوری.
- ۴۴- مقدسی، ابو عبدالله (۱۳۶۱) **احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم**. ترجمه نقی منزوی. تهران: شرکت مولفان و ترجمان.
- ۴۵- ناصر خسرو (۱۳۴۳) **سفرنامه**. به کوشش وحید دامغانی. تهران: انتشارات فراهانی.
- ۴۶- یزدی، شرف الدین علی (۱۹۷۳) **ظفرنامه**. تنظیم عصام الدین ارو بنایوف. تاشکند: اداره اشارات فن.



شکل ۲- موقعیت و وسعت جغرافیایی ایالت قهستان، سیستان و خراسان

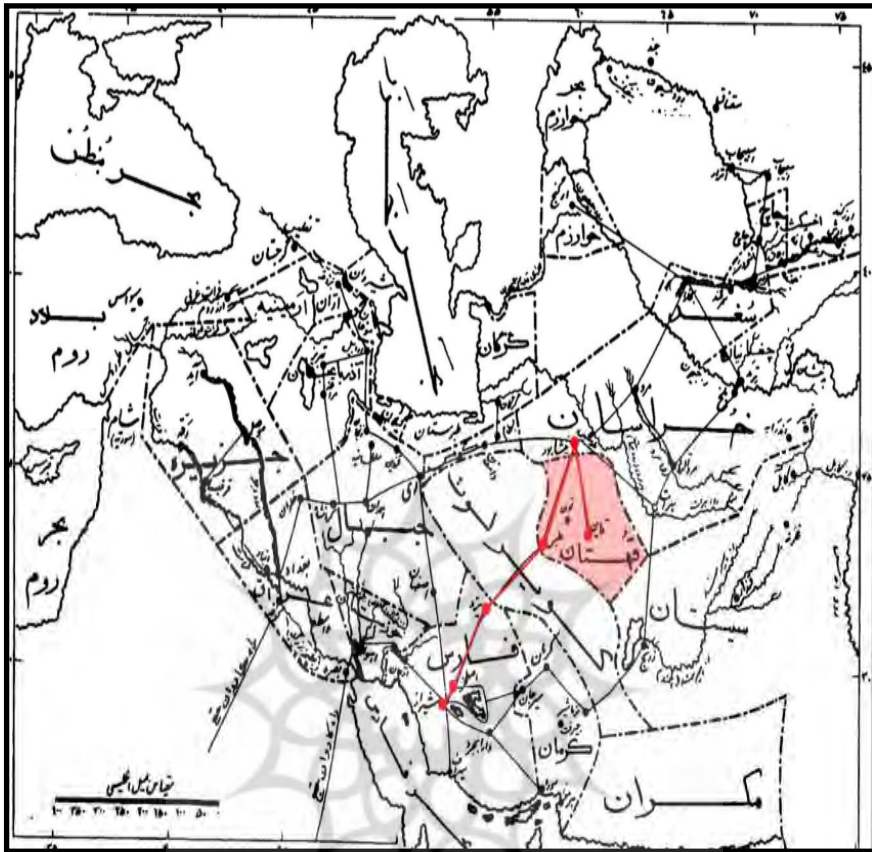


شکل ۳- موقعیت جغرافیایی شهرهای قهستان در قرن چهارم هجری



شکل ۴- موقعیت جغرافیایی شهرهای قهستان در قرن چهارم هجری

پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۵- نقشه‌ی استان‌های خلافت عباسیان که شاهراه‌های عمده‌ی قهستان در آن

دیده می‌شود

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۶- نقشه‌ی موقعیت قلعه و استحکامات دفاعی قهستان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی